

ذره بین

دستگیری سارقانی که سفارشی سرقت می‌کرد

شهروند | اعضای باند سارقان حرفه‌ای که در پوشش نمایشگاه خودرویی در شهرستان جلفا اقدام به فروش خودروهای مسروقه می‌کردند دستگیر شدند.
اواخر فروردین‌ماه امسال فردی برای شماره‌گذاری یک دستگاه پژو ۴۰۵ به یکی از مراکز شماره‌گذاری در شهر تهران مراجعه کرد که در زمان بررسی ارکان هویتی خودرو توسط کارشناسان اصالت خودرو مشخص شدار کان شناسایی‌وهویتی خودرو تغییر پیدا کرده که بلافاصله خودروی مذکور برای بررسی اصالت خودرو در اختیار کارآگاهان اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ‌قرار گرفت.

با آغاز تحقیقات در اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ، کارآگاهان این اداره اطلاع پیدا کردند که سواری پژو ۴۰۵ دارای سابقه سرقت بوده و چندی پیش در شرق تهران سرقت شده است. خریدار خودرو ۴۰۵ نیز پس از اطلاع از مسروقه‌بودن خودرو به کارآگاهان اعلام کرد که خودرو را از یک نمایشگاه فروش خودرو در شهرستان یافته‌و به قیمت روز خریداری کرده وهیچ اطلاعی از مسروقه‌بودن یا تغییرار کان هویتی‌اش ندارد.

کارآگاهان اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ با بهره‌گیری از اطلاعات به دست آمده از خریدار خودروی مسروقه و همچنین بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار موفق به شناسایی دو متهم سابقه‌دار پلیس آگاهی تهران بزرگ در زمینه سند نمره‌کردن خودروهای مسروقه به نام‌های «رامین» و «سیامک» شدند. در ادامه با شناسایی تصاویر رامین ۴ساله و سیامک ۵ساله توسط خریدار پژو ۴۰۵، کارآگاهسان اداره دوم پلیس آگاهی تهران با اخذ نیابت قضائی به شهرستان جلفا اعزام شده و در مراجعه به نمایشگاه خودرو و…اطلاع پیدا کردند که رامین و سیامک چندی پیش این نمایشگاه را به صورت استیجاری در اختیار داشته اما در حال حاضر فعالیتی در این نمایشگاه ندارند.

در ادامه رسیدگی به پرونده، کارآگاهان اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ با شناسایی مخفیگاه سیامک ورامین در شهرستان جلفا در یک اقدام غافلگیرانه هر دونفر آنها را دستگیر و دو دستگاه خودرو مسروقه سندنمره دیگر نیز از آنها کشف شد.

رامین و سیامک پس از انتقال به اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در همان تحقیقات اولیه اعتراف کردند که خودروهای مسروقه را یکی از سارقان حرفه‌ای خودرو به نام شاخرح ۳۸ساله برای آنها تهیه می‌کرده‌و آنها نیز با تغییر ارکان هویتی خودروهای مسروقه و به شیوه سندنمره، خودروهای مسروقه را در پوشش نمایشگاه به فروش رساندند که در ادامه مشخص شد هیچ‌گونه مجوز قانونی برای فعالیت نمایشگاه آنها وجود ندارد و رامین و سیامک طی چندماه و پس از فروش چندین دستگاه خودرو مسروقه از این محل متواری شدند.

بامعرفی شاخرح توسط رامین و سیامک بلافاصله وی به‌عنوان یکی از مجرمان سابقه‌دار پلیس آگاهی تهران بزرگ که پیش از این نیز دوبار توسط اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ دستگیر و روانه زندان شده، مورد شناسایی قرار گرفت. با بهره‌گیری از اطلاعات موجود در سوابق شاخرح و درحالی که هیچ‌گونه اطلاعاتی در خصوص آخرین مخفیگاه وی وجود نداشت، کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات ویژه پلیسی موفق به شناسایی آخرین مخفیگاه وی در شهری ر شده و طی یک عملیات غافلگیرانه شاخرح قبل از هرگونه اقدام برای فرار دستگیر و به اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد.

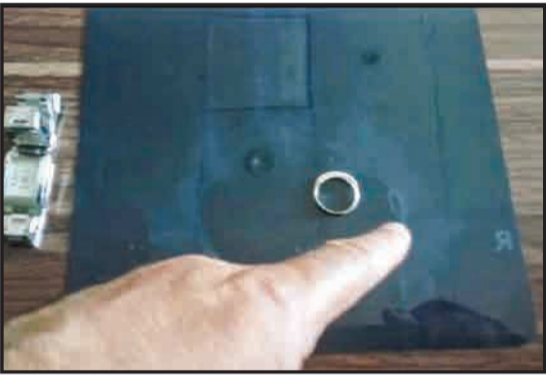
شاخرح در همان تحقیقات اولیه صراحتاً به فروش ۵ دستگاه خودروی پرشپا و پژو ۴۰۵ به رامین و سیامک اعتراف کرد که در ادامه دو دستگاه خودروی مسروقه دیگر نیز از متهمان کشف شد. او در تعراقاتش به کارآگاهان گفت: «رامین و سیامک، مدل، رنگ و نوع خودرو را برای سرقت به من اعلام می‌کردند و پس از سرقت خودروها، رامین و سیامک طی یک قرار آنها را با قیمت بسیار بسیار کمتر از قیمت واقعی از من خریداری کرده و خودشان خودروها را به قیمت واقعی به فروش می‌رساندند.»

سرهنگ کارآگاه شمس‌الدین میرزکی، معاون مبارزه با سرقت وسایط نقلیه پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: «با توجه به سوابق متهمان در فروش خودروهای مسروقه به شیوه سندنمره و اعتراف سارق خودرو به بیش از ۱۰ سرقت خودرو، هر سه متهم با قرار قانونی در اختیار پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار داده شدند و تحقیقات از آنها در دستور کار کارآگاهان اداره دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته‌است.»

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

گفت‌وگو با پرستار سارقی که انگشتر گرانیقیمت را از شکمش خارج کردند

ماجرای «زیور» و انگشتر برلیان زن آمریکایی



این ماجرا، تیمی ویژه از مأموران کلانتری، تجسس‌های خود را در این رابطه آغاز کردند و در بررسی‌های خود به زنی ۳۵ساله که پرستار خصوصی بود، مظنون شدند. این زن از چند بیمار مبتلا به ام‌اس در این بیمارستان پرستاری می‌کرد و دقیقاً شکایت‌ها نیز از سوی بیماران مبتلا به ام‌اس که پرستارشان همین زن بود، صورت گرفت. با مشخص شدن این موضوعات، آموزش‌های لازم به نیروهای حراست مستقر در بیمارستان داده و قرار شد که هر وقت این پرستار دوباره به بیمارستان مراجعه کرد، مأموران او را تحت نظر قرار دهند.

نهایت هنگامی که متهم پس از چند روز بار دیگر در بیمارستان حاضر شد توسط مأموران حراست تحت نظر قرار گرفت. او در همان روز از سه‌زن بیمار سرقت کرد و وقتی متوجه ماموران شد، سعی کرد با تغییر پوشش از بیمارستان فرار کند، ولی موفق به فرار نشد و از سوی مأموران کلانتری دستگیر شد. زیور در بازجویی‌های انجام‌شده به سرقت‌هایش اعتراف کرد و گفت که اموال سرقتی شامل یک

ساعت، یک انگشتر و مقداری پول نقد را در یکی از اتاق‌های بیمارستان پنهان کرده‌است. مأموران با راهنمایی خود متهم در محل اعلامی حاضر شده و در این میان یک نفر از مالباختگان که زنی ساکن آمریکا بود و به تازگی برای زندگی به ایران بازگشته بود مدعی شد یک انگشتر برلیان گرانیقیمت که توسط متهم دزدیده شده، در میان اموال نیست.

به همین دلیل متهم دوباره تحت بازجویی قرار گرفت و اعتراف کرد که انگشتر را به دلیل ارزش بالایش بلعیده‌است. وی دوباره به بیمارستان اعزام و تحت بررسی قرار گرفت. در ادامه با یک آزمایش رادیولوژی مشخص شد انگشتر در شکم متهم است و تیم پزشکی در نهایت با معاینات مختلف این انگشتر را از شکم متهم خارج کرده و به صاحب آن پس دادند.

سرهنگ کیومرث حسوندر رئیس کلانتری ۱۰۹

بهارستان با اعلام این خبر گفت: این فرد پس از تشکیل پرونده با سه‌شاکی به دادسرا معرفی شد.

دستگیری مردی با هفت کیلو شیشه در نظام آباد تهران

شهروند | یک قاچاقچی موادمخدر با هفت کیلو گرم مخدر شیشه در نظام آباد تهران دستگیر شد. در تحقیقات انجام‌شده از سوی مأموران پایگاه پنجم پلیس مبارزه با موادمخدر مشخص شد که یک قاچاقچی موادمخدر به تازگی ضمن ارتباط با قاچاقچیان موادمخدر در جنوب کشور اقدام به انتقال مقادیری مواد افیونی به تهران و پنهان کردن آن در مخفیگاهش کرده‌است. نتیجه تحقیقات انجام‌شده در اختیار مقام قضائی قرار گرفت و دستور بازداشت متهم و بازرسی و مخفیگاهش صادر شد و تیمی از مأموران این یگان به مخفیگاه متهم اعزام و پس از مدتی مراقبت ویژه و اطمینان از حضور متهم در محل موفق شدند متهم را دستگیر کنند. سرهنگ محمد بخشنده، رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ با بیان این‌که در بازرسی انجام‌شده از خودروی متهم هفت کیلو و ۵۰ گرم شیشه کشف شد، گفت: «متهم در بازجویی‌های انجام‌شده به جرم خودمینی بر قاچاق موادمخدر اعتراف کرد و پس از تکمیل پرونده به دادسرا منتقل شد.»

بدون مدرک پرستاری، در سایت دیوار پرستار شدم

زیور که حدوداً ۶سالی می‌شود پرستاری می‌کند، برای به‌دست آوردن پول زیاد، تبدیل به یک سارق شد. این پرستار خصوصی از طریق سایت‌های اینترنتی مشخص‌تری‌های خود را پیدا می‌کرد و از وقتی تصمیم گرفت سرقت کند، به سراغ بیماران ثروتمند می‌رفت. جیب آنها را خالی می‌کرد و دستمزد پرستاری‌اش را هم می‌گرفت. او که هرگز تصور ش را هم نمی‌کرد دستگیر شود، در گفت‌وگو با «شهروند» ماجرای از دزدی‌هایش را روایت کرد:

• **چند وقت است که سرقت می‌کنی؟**

از چند ماه پیش شروع کردم.

• **چرا؟**

می‌خواستم به پول زیاد برسم. البته تفریح هم بود. اول برای تفریح این کار را کردم، ولی بعد از آن هدفم سرقت طلا بود و می‌خواستم یک‌شبه به پول هنگفتی دست پیدا کنم.

• **وضع مالی بدی داری؟**

نه اتفاقاً وضع مالی‌ام بد نیست. اما خب آدم در هر شرایطی باشد با هم دوست دارد که پول به دست آورد.

• **چی شد که به یک سارق تبدیل شدی؟**

من حدوداً ۶سالی می‌شود که پرستار زنان و مردان سالخورده هستم. از کسانی که قدرت تحرک ندارند مثل مبتلایان به ام‌اس نگهداری می‌کنم. این شغل من بود. از طریق سایت دیوار و بقیه سایت‌ها شماره تلفنم را گه‌گی کردم و به خانه‌های مردم برای پرستاری می‌رفتم. کم‌کم هم کارم گرفت و شماره‌ام در بیمارستان هادست به دست چرخید. دیگر در بیمارستان‌ها هم کار می‌کردم. در این میان با پیرزن و پیرمردهای زیادی آشنا شدم که پول و ثروت داشتند. همین مسأله و سوسه‌ام کرد و فکر سرقت را به سرم انداخت.

• **فقط در بیمارستان‌ها سرقت می‌کردی؟**

بله، در خانه‌ها سرقت نمی‌کردم. در بیمارستان چون محیط باز بود و همه رفت‌وآمد می‌کردند راحت‌تر می‌شد سرقت کرد. اگر در خانه دزدی می‌کردم به راحتی مرا شناسایی می‌کردند.

• **اولین بار است که دستگیری می‌شوی؟**

بله، من هیچ‌وقت خلاف نکرده‌بودم.

• **از چند نفر با همین روش دزدی کردی؟**

یادم نیست، ولی تعدادشان زیاد نبود.

• **چرا انگشتر برلیان را بلعیدی؟**

آن روز در بیمارستان به سراغ کیف بیمارتم رفتم. ساعت و طلا و پول نقد پیدا کردم. این انگشتر متعلق به یکی از بیماران بود که در آمریکا زندگی می‌کرده و به تازگی به کشور آمده بود. خیلی هم ثروتمند بود. وقتی انگشتر برلیان را دیدم آن را هم برداشتم. زمانی که متوجه حضور مأموران در بیمارستان شدم، بلافاصله اموال سرقتی را در یک سوراخ کنار شوفاژ پنهان کردم. اما انگشتر ادا لم نیامد که آنجا بگذارم. به فکر رسیدن را بلعتم. گفتم آن را پیدا نمی‌کنند و بعداً می‌توانم با این انگشتر به پول خوبی برسم. ولی همه چیز لورفت و من مجبور شدم هم جای اموال را در کنار شوفاژ و هم جای انگشتر را لو بدهم.

• **درس خوانده‌ای؟**

بله، لیسانس دارم. اما لیسانسم را تباطی با پرستاری ندارم. من خودم این شغل را دوست

داشتم و دل‌می‌خواست که با بیماران نگهداری کنم.

• **از دواج کردی؟**

نه. مجردم. پدر و مادرم هم فوت کرده‌اند و من همراه برادرم زندگی می‌کنم.

این مالباختگان حوصله پلیس را ندارند

باز پس‌گیری اجناس مسروقه در سایت‌های مجازی

بردم. وقتی فاکتورها را به او نشان دادم، گوشی‌ها را به من داد. البته خودش هم می‌گفت از یک نفر در شهر یار خریداری کرده و اصلاً از دزدی بودن آنها اطلاع نداشته است. به سرر و وضعیت هم نمی‌خورد که دزد یا آدم ناچوری باشد، به همین دلیل هم من پیگیری ماجرا نشدم. در این وضعیت اقتصادی پیدا شدن دو گوشی موبایل که حدود ۲۰ میلیون تومان ارزش دارد، به اندازه کافی برای من خوشحال‌کننده بود.»

داوود ۳۵ساله از تهران هم تجربه جالبی از سایت‌های خرید و فروش اینترنتی دارد. این کارمند بانک چندماه قبل دو دوچرخه‌خ از پارکینگ خانه‌شان به سرقت رفت. اما بعد از چند هفته این دوچرخه‌ها در یکی از همین سایت‌ها پیدا شد: «خواهرزادام دوچرخه‌ها را پیدا کرد، گفت دایم دوچرخه‌ها در فلان سایت گه‌گی رفته بود. یک روز به من زنگ زد و گفت دایم دوچرخه‌ها در فلان سایت گه‌گی شده‌است.» این‌طور که این مرد به «شهروند» می‌گوید، آنها هم با فاکتور به فروشنده دوچرخه مراجعه کردند و بعد هم آنها را پس گرفتند: «راستیست

شهروند | «ژ: شیر مرغ تا جان آدمیزاد» در سایت‌های خرید و فروش اینترنتی پیدا می‌شود؛ هر چیزی که فکرش را بکنید. سایت‌هایی که با شعار حذف واسطه و دلالت‌ها شکل گرفت، اما حالا با گذشت چندسال از فعالیت‌شان تازه ایرادات و نواقص آنها نمایان شده‌است. فروش اجناس و لوازم دزدی یکی از همین ایرادات است که بعضاً در سرهای زیادی هم برای مشتری‌ها ایجاد کرده است. هر چند پلیس از این پلیس فتا و برخی مقامات انتظامی نسبت به این معضل و فرآگیر شدن آن در سایت‌های خرید و فروش اینترنتی هشدار داده بودند، اما این صحبت‌ها هم عملاً نتوانسته مانع جدی در برابر تداوم این مشکل باشد. حالا کار به جایی رسیده که بسیاری از مالباختگان ر د اجناس مسروقه‌شان را در همین سایت‌ها دنبال می‌کنند تا شاید از این طریق بتوانند زودتر به نتیجه برسند.

سعید یکی از همین افراد است؛ یکی از شهروندان تهرانی که چند روز پیش دو گوشی تلفن همراهش به سرقت رفت، اما دو روز بعد و در کمال تعجب آگهی فروش گوشی‌هایش را در یکی از همین سایت‌های معتبر خرید و فروش اینترنتی دید: «من وقتی آگهی را دیدم، ابتدا شک داشتم، اما دقیقاً گوشی خودم بود. مطمئن ش که شدم، برای بازپس‌گیری آنها اقدام کردم.» او در توضیح بیشتر ماجرا به «شهروند» می‌گوید: «با فروشنده گوشی‌ها تماس گرفتم و قرار گذاشتم. هیچ صحبتی هم در باره این‌که این گوشی سرقتی است با او مطرح نکردم. با چند نفر از دوستانم سرر قرار رفتم. فاکتور گوشی‌ها را هم با خودم

حوصله در دسر نداشتم. نمی‌خواستم پای پلیس به این ماجرا باز شود. برای من مهم پیدا شدن دوچرخه‌ها بود. آدرس فروشنده شهر یار بود. رفته بودم به پهنه بیعانه‌دادن دوچرخه‌ها را ببینم، اما همان‌جا احساس کردم که آن شخص نمی‌تواند سارق باشد، شاید هم مالخر بود. ماجرا را برای او بازگو کردم و بعد هم با دیدن فاکتورها دوچرخه‌را پس گرفتم.»

اما اجرای علی به همین سادگی‌ها نبود. او هم یکی از مالباختگانی است که اجناس را در سایت‌های خرید و فروش دیده، اما به همین راحتی نتوانست آنها را پس بگیرد. این جوان ۲۹ساله در این باره به «شهروند» می‌گوید: «قبل از عید کیف ابزار و دو دستگاه دریل را از صندوق عقب خودروم به سرقت بردند. سر ظهر بود. من چند لحظه به داخل خانه رفتم تا بقیه وسایلم را ببوارم، وقتی برگشتم دیدم یک موتور بی‌سرعت از سمت خودم و به طرف فانتهای کوچهر فت و در صندوق هم یاز بود.» او ادامه می‌دهد: «کل وسایلم حدود ۴۰ میلیون تومان قیمت داشت. ابزار دستم بود، مجبور بودم که دوباره بخرم، اما این مدت قیمت‌ها لحظه‌ای شده. یکی از همکاران به من پیشنهاد کرد که از همین سایت‌ها خرید کنم. دنبال دست دومش بودم. هر روز آگهی‌ها را دنبال می‌کردم، تا این‌که یک روز یکی از دریل‌هایم را دیدم. مطمئن بودم که دستگاه خودم است، اما اشتباه کردم که تنها سرر قرار رفتم. وقتی فروشنده ماجرا را فهمید، با من گلاویز شد و بعد هم فرار کرد. البته شناسن آوردم که نزدیک خانه‌اش قرار گذاشته بود. به پلیس اطلاع دادم و حدود دو هفته بعد همه وسایل را پس گرفتم.»

آگهی ثبتی

مرجع خریداری شده مع واسطه از نوروزعلی نیازی ۴۷۷۶ فرعی آقای یعقوب خلیلیان گل سفیدی نسبت به سه دانگ مشاع از ششداگ یک باب خانه با ساختمان مسکونی به مساحت ۳۷۰ متر مربع خریداری شده مع واسطه از علی علی دوستی

۴۷۷۶ فرعی آقای ایوب خلیلیان گل سفیدی نسبت به سه دانگ مشاع از ششداگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۳۷۰ متر مربع خریداری شده مع واسطه از علی علی دوستی

به موجب ماده ۴ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق‌الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی و در صورتی که اشخاص گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت شهرکرد تحویل ندهند. این صورت اقدامات ثبت، موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل مبارت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۳۹۸/۰۲/۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: پنج شنبه ۱۳۹۸/۰۲/۱۹

رضا بشارتی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شهرکرد

^[1] ششداگ یک باب خانه به مساحت ۱۶۹ متر مربع خریداری شده مع واسطه

^[2] ششداگ یک باب خانه به مساحت ۱۶۹ متر مربع خریداری شده مع واسطه

^[3] ششداگ یک باب خانه به مساحت ۱۶۹ متر مربع خریداری شده مع واسطه

^[4] ششداگ یک باب خانه به مساحت ۱۶۹ متر مربع خریداری شده مع واسطه

^[5] ششداگ یک باب خانه به مساحت ۱۶۹ متر مربع خریداری شده مع واسطه